

نسخه‌پیشی اقتصادی

مرد همیشه بازنده انتخابات

از فرصت دانستن تحریم

تاراهکار نهاتر با جهان

به نظر می‌رسد انتخابات هنوز برای سعید جلیلی و حامیانش تمام نشده است. او در حالی در جایگاه سخنران در میان هوادارانش حضور می‌یابد و از آینده‌هایش می‌گوید که گویی همچنان تقویم‌اش به یازدهم تیرماه سال ۱۴۰۳ نرسیده است و امید دارد با پیروزی در انتخابات بتواند راهی باستور شود. خبرآنلین نوشت؛ وی که این روزها در قامت یک رقیب برای دولت مستقر ظاهر می‌شود پیش‌تر نیز شانس خود را در این عرصه آزموده بود و برای ورود تکیه‌زدن بر جایگاه ریاست جمهوری خیز برداشته بود.

جلیلی و انتخابات

ماجرای سعید جلیلی و صندوق رای ماجرای عشق و نفرت است. هر چند جلیلی علاقه فراوانی دارد که از نردبان انتخابات بالا برود اما هیچ‌گاه توفیق نیافته آرای کافی را جذب کند. این عدم توفیق تنها در انتخابات ریاست جمهوری نیست او حتی پیش از این دو بار در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲ برای ورود به مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه مشهد نامزد شد اما هر دو بار شکست خورد. اولین کاندیداتوری وی در انتخابات ریاست جمهوری به سال ۱۳۹۲ بازمی‌گردد. او در حالی در انتخابات سال ۱۳۹۲ کاندیدا شد که پیش از آن، از سال ۱۳۸۶ دبیر شورای عالی امنیت ملی بود و ریاست نیم مذاکره‌کننده هسته‌ای را بر عهده داشت اما دستاوردش در این بخش محدود می‌شد و به معطل نگه داشتن تیم مذاکره خارجی در سالن و قدم‌زدن در بیرون و البته شش قطعه‌ام که همین امروز عواقبش بار دیگر گریبان اقتصادی و سیاست و اجتماع ایران را گرفته است. او در انتخابات سال ۱۳۹۲ با کسب بیش از چهار میلیون رای سوم شد. در سال ۱۴۰۰ نیز با شعار جهاد بزرگ برای جهش ایران اندام‌ها نفع ابراهیم رئیسی کنار رفت و در انتخابات سال ۱۴۰۳، در انتخاباتی دو مرحله‌ای در یازدهم تیرماه در رقابت با مسعود پزشکیان شکست خورد. هر چه هست گفتمان عقیدتی و سیاسی و اقتصادی جلیلی تاکنون نتوانسته است ازایی رازان خود کند که وی پیروز میدان باشد با این حال پافشاری وی بر این عقاید و ادعای تشکیل دولت سایه در ایران سبب شده وی و هوادارانش تلاش کنند سیاست ایران از فضا انتخابات و رقابت‌های آن بیرون نیاید.

سنگ اندازی سر راه دولت؟

در زمان فعالیت دولت یازدهم و دوازدهم، دولت سایه جلیلی بسیار پرکار و پرخبر ظاهر می‌شد. کافی است نگاهی به سایت اختصاصی سعید جلیلی بیندازید تا ببینید در فاصله سال‌های حضور دولت روحانی چه تعداد نشست تشکیل داده و از سال ۱۴۰۰ با استقرار دولت سیزدهم، چگونه اخبار مرتبط با انتشار جلسات متوقف شده است. نگاهی به اخبار منتشر شده در خصوص جلسات کارگروه‌های مختلف با سعید جلیلی نشان می‌دهد از ۱۰ آذر ۱۴۰۰ تا ۲۱ آبان ۱۴۰۳ خبر برگزاری هیچ جلسه‌ای در کارگروه‌های مختلف با سعید جلیلی برگزار نشده است. این وقفه می‌تواند این معنا را داشته باشد که سعید جلیلی و همفکرانش در دولت سیزدهم حس در سایه بودن را نداشتند و در آفتاب عرض اندام می‌کردند و نظراتشان را می‌دادند اما با استقرار دولت ناهمسوی پزشکیان، بار دیگر از ۲۱ آبان سال گذشته برگزاری این نشست‌ها آغاز شده است. نگاهی به اخبار پرشمار سفرهای جلیلی نیز حکایت از آن دارد که وی خود را رقیب جدی دولت مستقر ارزیابی می‌کند. جلیلی البته ایده مهم دیگری نیز دارد. این که جهان تنها سه چهار کشور نیست که با آنها اختلاف داریم. دویت کشور در جهان هستند و می‌شود با آنها مرزوده داشت. این برنامه وی البته حاوی اشکالات متعددی است. اول این که همان کشورهای اندکی که جلیلی به آنها اشاره می‌کند که ایران با آنها اختلاف دارد، در بدبینانه‌ترین آمارها بیش از ۴۰ درصد اقتصاد جهان را در اختیار دارند. سعید جلیلی در این حوزه دچار تعارضی بنیادین با شعار خود می‌شود. او که از مخالفان سرسخت عضویت در FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام بود و هست، به این نکته توجهی ندارد که حضور در لیست سیاه و عدم رعایت استانداردهای FATF ایران را از حضور در شبکه بانکی جهانی محروم می‌کند و هزینه‌ای سنگین برای نقل و انتقالات وی در دست اقتصاد می‌گذارد. او در شرایطی از استفاده از ظرفیت‌های سایر کشورها می‌گوید که حتی قواعد استفاده از این ظرفیت‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد.

فرصت یا تهدید؟

در دیدگاه سعید جلیلی، بنابر اعلام صریح وی تحریم فرصت است. فرصتی که ایران سالیانی طولانی در اختیار داشته اما وضعیت حتی در زمانی که دولت در اختیار همفکران وی بوده است، نیز بهتر نشده است. او معتقد است می‌شود نفت را به کشورهای دیگر فروخت. در شرایط فعلی نیز مهم‌ترین مشتری نفتی ایران چین است که البته با تخفیف‌هایی که رقم واقعی آن هیچ‌گاه روشن نیست، این معامله صورت می‌گیرد. علی‌ماجدی، معاون اسبق وزارت نفت و دیپلمات کهنه‌کار ایرانی صراحتا در گفت‌وگو با خبرنگارلین اعلام کرد که نفع چین از رابطه با ایران در شرایط تحریم بسیار بالاتر از نفع ایران در رابطه با چین است و باید توانی در این میان برقرار شود.

دوشنبه
۱۴۰۴ • ۰۸ • ۲۶

۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ / ۱۷ نوامبر ۲۰۲۵

سال هشتم

شماره ۲۲۵۴

armanmeli.ir

«آرمان ملی» مواجهه دولت با نسل جوان را بررسی می‌کند

پاستور به دنبال زبان مشترک با جوانان

◀ معاون جوانان وزیر ورزش در پاسخ به «آرمان ملی»: مدعی‌العموم مطالبات جوانان از دولت و حاکمیت هشتم



که نیازمند بازنگری و تعیین ساختار دقیق هستند، چرا که مباحث نظری با عرصه عمل تفاوت دارد. باید به دنبال تغییر رفتار و اثرگذاری واقعی در نوجوانان و جوانان باشیم». حال این پرسش پیش می‌آید که دولت چگونه می‌تواند اثرگذاری واقعی در جوانان و نوجوانان داشته باشد و به تغییر رفتار آنها بپردازد؟ تبعا با نوع نگرش فعلی و عدم رفتار شناسی جوانان، عدم فهم مطالبات این قشر از جامعه و عدم اعتماد زایی با جوانان با اقدامات موثر و مفید نمی‌توان به آنچه رئیس‌جمهور گفته رسید. آنچه که مسلم است دولت باید بتواند همزمان که شعارهایی را در حوزه جوانان مطرح می‌کند راهکارهایی را نیز برای رفع مطالبات و مشکلات در حوزه جوانان یافته و به کار ببندد.

مجلس مشورتی

روز گذشته بود که معاون جوانان وزیر ورزش و جوانان در خصوص عملکرد یکساله این معاونت اظهار داشت: ساختار فعلی پاسخگوی نیازهای جوانان نیست و احیای سازمان ملی جوانان با تأکید رئیس‌جمهور و پس از ۱۵ سال محقق شده است. علیرضا رحیمی در نشست خبری با اشاره به مسائل اصلی جوانان کشور، از جمله اشتغال، مسکن و آسیب‌های اجتماعی، بر ضرورت تحول ساختاری در حوزه جوانان تأکید کرد. وی با مرور تاریخچه ساختارهای جوانان گفت: شورای عالی جوانان در سال ۷۱ تشکیل و در دوره دولت آقای خاتمی به سازمان ملی جوانان ارتقا یافت، متأسفانه در سال ۸۹ این سازمان در وزارت ورزش ادغام شد که بزرگترین لطمه به حوزه جوانان وارد آمد. رحیمی با اشاره به مشکلات ساختاری افزود: جوانان یک موضوع فرابخشی است که مسکن، اشتغال، ازدواج، سلامت و هنر را شامل می‌شود، در حالی که ورزش یک حوزه بخشی است، ادغام این دو باعث شد در این ۱۵ سال خروجی مطلوبی نداشته باشیم. معاون جوانان وزارت ورزش به مشکلات بودجه‌ای نیز اشاره کرد و بیان داشت: بودجه جوانان در سال ۱۴۰۳ فقط ۰.۷۱ درصد کل بودجه وزارتخانه بوده که در سال ۱۴۰۴ به ۵.۳ درصد رسیده است، از این میزان نیز ۵۰ درصد صرف حقوق و مزایای می‌شود. وی با بیان خبر احیای سازمان ملی جوانان با تأکید رئیس‌جمهور و پیگیری‌ها، گفت: احیای سازمان ملی

جوانان ذیل وزارت ورزش محقق شده است، البته برای تحقق کامل حقوق جوانان، باید جایگاه اجرایی این حوزه ارتقا یابد تا بتواند تکالیف دستگاه‌ها را مطالبه کند. رحیمی تأکید کرد: بدون ساختار اداری مناسب، حضور جوانان و تصویرسازی آنان میسر نیست و انجام تکالیف قانونی دولت در قبال جوانان نیز به درستی محقق نخواهد شد. رحیمی در خصوص تعامل دولت با نسل جوان و نمایندگان آنها افزود: جلسات متعددی با دستگاه‌های دولتی برگزار شده است، متأسفانه برخی وزارتخانه‌ها توجه کافی به موضوع جوانان ندارند و حتی حاضر نیستند جلسه‌ای برگزار کنند، این مساله جای تاسف دارد، زیرا جوانان مانده‌ایده گرفته می‌شوند، نقش رسانه‌ها در این مسیر بسیار مهم است، زیرا تعامل با جامعه جوانان و اطلاع‌رسانی دقیق می‌تواند اثرگذاری اقدامات را افزایش دهد. وی با معرفی پروژه مهم «مجلس جوانان ایران» توضیح داد: هدف این است که نمایندگان نسل جوان، توسط خود جوانان انتخاب شوند و نه از طریق مدیران یا آشنایان، این مجلس مشورتی برای گروه سنی ۱۵ تا ۳۵ سال طراحی شده است و هر جوان می‌تواند کاندید شود و به نمایندگان رای دهد، مدل انتخابات مشابه مجلس شورای اسلامی است و حوزه‌های انتخابیه، تعداد نمایندگان و فرآیندها بر اساس آن طراحی شده‌اند. علیرضا رحیمی در پاسخ به «آرمان ملی» در خصوص چگونگی برگردن شکاف ایجاد شده میان دولت و جوانان تأکید کرد: اگر رسانه‌ها که رکن چهارم دموکراسی جامعه مدنی هستند و همچنین دولت، مجلس، نهادها و قانونگذار حمایت بیشتر و کمک کنند بله می‌توانیم. وی تصریح کرد: واقعیت این است که من شخصیتی که برای معاون جوانان یا شورادبیر شورای عالی تعریف کردم برای خودم وابستگی ام بیشتر طرف جوانان است و به نوعی می‌گویم مدعی‌العموم مطالبات جوانان از دولت و حاکمیت هشتم. این همان جایی است که ما می‌ایستیم و می‌گوییم حرف باید جوان‌ها را شنیدیم و ما اینجا بایم که بتوانیم این گسست را کمتر کنیم. اگر میزان مشارکت سیاسی جوانان مادر انتخابات بعدی ریاست جمهوری افزایش داشته باشد، یعنی من موفق شدم سرمایه اجتماعی را برای حاکمیت افزایش دهم و این هدف عملی و قابل اندازه‌گیری است.

«آرمان ملی» از نگاه دولت‌های پس از انقلاب به مقوله توسعه را گزارش می‌دهد

دولت‌ها و چالش توسعه

سعید حجاریان: دولت چهاردهم در امر توسعه سپر انداخته و گرفتار روزمرگی شده است

پیش ببرند.» بر اساس نگاه این نظریه‌پرداز سیاسی باین رویه‌ای که دولت فعلی نیز پیش گرفته رویکرد‌های توسعه‌ای کنار گذاشته و پزشکیان و دولتش صرفا دچار روزمرگی شده‌اند. وی در این خصوص می‌گوید: «دولت چهاردهم عملا در امر توسعه سپر انداخته و در گفتارش صرفا متکفل اجرای برنامه هفتم توسعه شده است و در عمل، گرفتار روزمرگی اداره کشور، به دیگر سخن، گفتمان توسعه‌ستیزی یوتوبیایی در سطح کلان باعث شد عینیت توسعه از بین برود و عرصه برگذیرای‌های سنجش‌ناپذیر در قالب اسناد بالادستی بر الگوی اداره امور عمومی قشر فروخ شود. رنگ خطر اما زمانی به صدا درمی‌آید که دولت علاوه بر مسئولیت‌ناپذیری (ارادی یا قهری) در حوزه توسعه همه جانبه از ایفای کارویژه‌های اساسی خود بازماند.»

فقدان تئوری

حجاریان اظهار کرد: آنچه در ناصیه حکمرانی ما، در پرتو فقدان تئوری توسعه و تئوری عدالت رخ می‌نمایند، غیبت دولت در حوزه تمهید امنیت عمومی است. در چنین وضعیتی، خصوصا در جوامع طبقاتی شده، میل به تأمین امنیت خصوصی افزایش پیدا می‌کند، به عبارتی هر که پولش بیش، امنیتش بیشتر است و اعلامی این وضعیت نقطه‌ای است که افراد/مؤسسات تأمین‌کننده امنیت خصوصی از سوی حتی در چارچوب منطق اقتصاد سیاسی حاکمیت ترویج و تبلیغ شوند و اینجاست که هر تفلای معطوف به توسعه و عدالت محکوم به شکست می‌شود.

سیاست

گزارش

وفاق ملی یا وفاق سیاسی؟

چگونه شعار اصلی مسعود پزشکیان به پاشنه آشیل دولت او تبدیل شد؟

اکثرا مسعود پزشکیان را به حافظ نهج البلاغه می‌شناسند؛ شاید به دلیل پیروی زیادش از بیانات حضرت علی(ع) باشد که تلاش می‌کند حکمت‌ها و احادیث آن را سرلوحه کار خود قرار بدهد یا شاید هم به دلیل تجربه‌ای که از نتایج دعواهای داخلی داشته و به آن هم چند بار معترف شده است، همچون حافظ شیرازی، آسایش ریاست جمهوری‌اش را در گرو «با دوستان مروت، با دشمنان مدارا» می‌داند. گفتمان دولتش را وفاق ملی نام نهاد. گفتمانی که این روزها گویا بیش از سرانجام وعده‌هایش، تبدیل به یک پاشنه آشیل برای دولت شد و اختلافات زیادی را میان او و حامیان انتخاباتی‌اش ایجاد کرده است. ماجرا از یک حکم آغاز شد؛ حکمی که دولتی‌ها آن را نشانه‌ای از وفاق سیاسی میان دولت و مخالفان تعبیر می‌کردند، اما حامیان رئیس‌جمهور آن را اقدامی برخلاف این وفاق می‌دانستند. مسعود پزشکیان در هفته گذشته اسماعیل سقاب اصفهانی را به عنوان معاون رئیس‌جمهور منصوب کرد؛ چهره‌ای که از افراد کلیدی دولت ابراهیم رئیسی بوده و مواضع‌اش در مواردی در رویکرد دولت کنونی تفاوت دارد. هرچند در متن حکم رئیس‌جمهور، این انتصاب در راستای «گفتمان وفاق» توصیف شد، اما این تصمیم با اعتراض شدید برخی حامیان دولت و حتی استعفا ی یکی از اعضای شورای اطلاع‌رسانی همراه بود.

خروج یک اصلاح طلب

گرچه در طول مدتی که مسعود پزشکیان سکندار دولت چهاردهم شده، تاکنون اعتراضات زیادی به موضوع وفاق ملی مطرح شده و حتی پس از خروج محمد جواد ظریف و عبدالناصر همتی از کابینه، برخی تحلیل‌ها حکایت از شکست وفاق ملی داشت، اما اکنون، در پی صدور حکمی جدید برای سقاب اصفهانی، اما نه تنها بار دیگر موضوع شکست وفاق ملی در سطح رسانه‌ای مطرح شده، بلکه منجر به ایجاد شکاف و اختلافات بیشتر میان دولت‌مردان و اصلاح طلبان شده است. چنان‌که «فیاض زاهد»، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت و از حامیان جدی پزشکیان، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «خیلی با خودم کلنجار رفتم که چیزی نگویم، اما شرافتم در گرو بیان حقیقت است. دردناک است در روزی که فواد شمس از فشار روزگار! خودکشی کرد مدیر برگزیده رئیسی معاون رئیس‌جمهورمان شد. اسام این هرچه باشد وفاق نیست کج تابی است. به سهم خودم شرمندهم،ام.» زاهد چند ساعت پس از انتشار این توثیت از سمت خود استعفا داد که سرعیا مورد پذیرش الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، قرار گرفت. این اولین بار نیست که یکی از حامیان پزشکیان، در پی تصمیماتی که از سوی رئیس‌جمهور گرفته می‌شود، ابزار شرمندگی می‌کند. شرمندگی که گاه از سر عمل نکردن رئیس‌جمهور به وعده‌هایی چون رفع فیلترینگ و ایجاد شایه‌هایش در کشور است و گاه از سر وفاق با دشمنان دولت. حشمت... فاکت پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم هم از جمله کسانی است که در پی عدم به سرانجام رسیدن وعده‌های رئیس‌جمهور، به دلیل حمایت از دولت ابزار شرمندگی کرد. به نوشته خبرنگارلین؛ رسوال منتجب‌نیا، فعال پیشه، اصلاح طلب، می‌گوید که بارها نسبت به انتصابات دولت از رئیس‌جمهور گلایه داشته، اخیرا در گفت‌وگویی بیان کرده است: «دولت پزشکیان دولت اصلاح طلب نیست و شاید حدود ۸۰ درصد دولتی‌ها از چهره‌های منتسب به اولوگرایان هستند و باقی هم در اختیار تندروها است و تعداد قبلی هم از میان اصلاح طلبان انتخاب شده‌اند که به جای کار و تلاش در آرامش، باید با هجمه‌های همیشگی تندروها کنار بیایند.»

وفاق با چه کسانی؟

گفتمان «وفاق ملی» شعاری بود که از دل دولت پیروز انتخاب خاص تیرماه ۱۴۰۳ برآمد. در واقع، پزشکیان از همان روزهایی که ردای کاندیداتوری بر تن کرد و وارد کود رقابت‌ها شد، بارها بر عدم دعوامیان جناح‌های سیاسی تأکید کرد و بر این باور بود که شرایط اقتصادی و سیاسی کشور به‌گونه‌ای است که باید دعوای تمام‌کرده و هرکسی که کار بلد است وارد میدان شود. او حتی در زمان چپینش کابینه خود تلاش کرد دست باری به‌سوی مخالفانش دراز کند و سهم زیادی از حضور در دولت را به آنان اختصاص دهد. همین اقدام رقیب‌ها را در اختیار گذاشت و تعداد قبلی زیادی از سوی حامیان او شد. به خصوص آنکه آنان انتظار داشتند، به‌دلیل همراهی‌شان با مسعود پزشکیان در انتخابات، سهم بیشتری از دولت بگیرند؛ اما نه تنها چنین اتفاقی نیفتاد، بلکه تعداد اعضای دولت سیزدهم و چهره‌های نزدیک، به سعید جلیلی و جبهه پایداری در دولت بیش از پیش شد. از همین‌رو، از همان ابتدا به نظر می‌رسید که پزشکیان به جای آنکه بخواهد با مردم وفاق کند و بر تعداد آرای انتخاباتی‌اش بیفزاید، بیشتر با گروه‌های سیاسی مخالف خود به‌صورت یک‌طرفه وفاق کرده است، چنان‌که به‌رغم تلاش‌های دولت برای ایجاد آشتی میان تمامی گروه‌های سیاسی، این تلاش تاکنون با شکست مواجه شده و به یک وفاق یک‌طرفه از سوی دولت تبدیل شده است. مخالفت دلوایسان با وعده‌هایی چون رفع فیلترینگ، توقف قانون عفاف و حجاب و عبدالناصر همتی چون محمد جواد ظریف و عبدالناصر همتی از کابینه نیز مهر تأییدی بر این گزاره است. در واقع، به نظر می‌رسد تلاش برای ایجاد وفاق ملی، فراتر از شعار، با پیچیدگی‌های ساختاری و سیاسی مواجه شده و توانایی دولت در ایجاد آشتی واقعی میان جناح‌ها هنوز محدود است. تجربه‌های اخیر نشان می‌دهد که هرگونه وفاق از سوی مخالفت دولت پذیرفته نیست و آنان از این فرصت برای نفوذ در کابینه رئیس‌جمهور و انجام اقداماتی علیه دولت و مطالبات مردم استفاده می‌کنند. در این خصوص مطالبات که رئیس‌جمهور و مشاورانش در تصمیمات خود و همچنین گفتمان دولت تجدید نظر کنند.